

متن پیاده سازی شده جلسه شصت و سوم سال دوم درس خارج اصول فقه 18 بهمن ماه 1401

صفحات 157 و 158 : کلیک کنید

بسم الله الرحمن الرحيم

تتبع در تصویر جامع

به مناسبت بحث صحیحی و اعمی در مورد تصویر جامع مطالبی بیان شد به اینکه بنا بر صحیحی و اعمی شدن جامع چیست؟ از جمله کسانی که وارد بحث شده اند مرحوم شیخ اعظم و مرحوم نائینی هستند و مطالبی دارند که باید مورد بررسی قرار بگیرد. مرحوم شیخ اعظم در مورد جامع در عبادات مثل نماز فرمودند: «هو المركب التام شرعاً»، تام هم یعنی جامع اجزاء و شرائط. اما در مورد نماز غیر تام هم توسعاً به آن نماز گفته شده است و نماز غرقاء و شخص مریض که به حدی می رسد که تنها یک خطور است به این توسعاً نماز گفته شده است و بنا بر تعبیر بعضی بزرگان این ها ابدال هستند و نه خود نماز. مرحوم نائینی این نظر مرحوم شیخ اعظم را پسندیدند البته با یک اضافه ای که در این دوره آن را ذکر نکردیم. حالا اگر گفته شد مثل نماز برای مرکب تام وضع شده است آیا می توانیم در وقت شک برائت جاری کنیم یا باید احتیاط کرد؟ مثلاً ما که هیچ عذری نداریم مأمور به مرکب تام شدیم و هنوز به رکوع نرسیده شک می کنیم که آیا سوره واجب است؟ یا آیا گفتن «الله اکبر» قبل از رکوع لازم است؟ بعد در رکوع شک می کنیم که مقدار لازم در ذکر رکوع چه مقدار است؟ مرحوم شیخ اعظم بیان می کنند اینجا احتیاط معنا ندارد، برای اینکه مورد ما دوران امر بین اقل و اکثر است و لذا اینجا بنا بر مبنای ایشان احتیاط لازم نیست.

عبارت متن (صفحه 157): الاشارة إلى بعض تصویرات الجامع الأخرى فی المسألة؛ در اینجا ما از کلام مرحوم آخوند و مرحوم اصفهانی جامع را نقل کردیم و الان می خواهیم به برخی تصویرات دیگر اشاره کنیم. التتبع فی الکلمات و المتون الاصولیة يعطى تصویرات أخرى رکز علیها بعضهم تصویراً للجامع بعد انکار امکانه من بعض آخر. فمن التصویرات ما ذكره الشيخ الانصاری و علیه المحقق النائینی مع تصرف مع تصرف يسير قليل و هو؛ از جمله تصویرات کلام مرحوم شیخ و مرحوم نائینی است و آن کلام این است: الانصاف انّ القول بأنّ الصلوة شرعاً هو المركب التام و باقی الافعال انما سمیت صلوة توسعاً فی التسمية؛ سایر نمازهای ناقص توسعاً در تسمیه صلاة هستند و گاهی بعضی ها تعبیر کردند که این ها ابدال هستند. و لا يلزم ما تقدم من المحذور و هو عدم جواز الرجوع إلى البرائة؛ «و لا يلزم» یعنی آن اشکالی که قبلاً بیان شد که رجوع به احتیاط لازم می آید، اینجا لازم نمی آید. لذا مرحوم شیخ می خواهند بفرمایند که در زمان شک برائت را جاری می کنیم و نه احتیاط. به عبارت دیگر تا قبل از «و لا يلزم» ایشان فرمودند نماز مرکب تام است، بعد گویا کسی اشکال می کند که وقتی مرکب تام گفته شود دیگر نمی توان برائت را جاری کرد، چرا که در زمان شک، نه اینکه مأمور به مرکب تام است لذا باید در آن احتیاط کرد؛ اما مرحوم شیخ اعظم می فرمایند این اشکال پیش نمی آید. فإنّ الصلوة يكون اسماً لذلك المركب الغير المعلومة (غير معلومة) الاجزاء المرددة بين الاقل و الاكثر.

لذا ما هم بیان کردیم که مورد از موارد اقل و اکثر است و هر آنچه یقین داریم انجام می دهیم و اگر شک کردیم برائت جاری می کنیم.

بنابراین مرحوم شیخ اعظم دو ادعا بیان می کنند: 1. الصلوة يكون اسماً لذلك المركب. 2. در صورت شک چون اقل و اکثر است برائت جاری می شود.

البته ما یک معیار دیگر را بیان کردیم (که با اقل و اکثر هم منافات ندارد) و آن این مطلب بود که هر کجا بیان با شارع باشد و به

ما نرسد برائت را جاری می کنیم، مثلاً حمد را می خوانیم و در سوره شک می کنیم اینجا برائت جاری می شود. بعد در ذکر رکوع شک می شود که سه بار سبحان الله باشد یا اینکه یکبار «سبحان ربی العظیم و بحمده» کافی است، اینجا برائت جاری می شود.

### بیان مرحوم بروجردی

در اینجا بیان دیگری را از مدرسه قم از مرحوم بروجردی بیان می کنیم. ادعای ایشان دارای دو بخش سالبه و موجه است. در بخش سالبه می فرمایند مثل صلاة (و حج و وضوء) جامع ذاتی ندارد (که مرحوم اصفهانی از آن تعبیر به جامع مقولی می کردند به اینکه نماز جامع مقولی ندارد). آیا نماز مثل انسان است که کلی طبیعی باشد؟ نه، نماز یک بخشش ذکر است و از مقوله فعل است و یک بخشش سکون است یا جابجا شدن است؛ بنابراین جامع ذاتی مثل کلی طبیعی ندارد ولی جامع عرضی، انتزاعی دارد که این به عنوان قدر مشترک همه نمازها واقع می شود، از نماز میت تا نماز یومیه امیرالمؤمنین (ع).

لذا ایشان می فرمایند: ان جمیع مراتب الصلوة ... تشترک فی کونها نحو توجه خاص و تخشع مخصوص من العبد لساحة مولا؛ یعنی نمی توانید نمازی را پیدا کنید که نماز باشد و این موضوع در آن قرار نداشته باشد، لذا این ها مثل صورت و روح در اجزاء و شرائط جاری است، گویا اجزاء و شرائط هیولاست و این صورت و روح آن است. (به عبارت دیگر نماز اجزاء و شرائط نیست بلکه آن روح و صورت این جامع است.)

عبارت متن (صفحه 157): و من التصویرات ما صورّه السید البروجردی فأنّه \_ بعد تصریحه بعدم معقولیه تصویر الجامع الذاتی (که این همان قضیه سالبه است) و ترکیزه علی تصویر عنوان عرضی اعتباری؛ یعنی عنوان مثل کلی طبیعی نیست ولی جامع داریم. اینکه فرمایند: عرضی، چون ذات اجزاء و افعال این عنوان نیست و اینکه اعتباری می فرمایند: چون قانونگذار اعتبار کرده است. ينتزع (این عنوان) کلّ عن امور متباینه کلّ واحد منها من نوع خاص \_ که هر کدام نوع خاصی است، مثلاً یکی ذکر است و دیگری رکوع و قیام است و حتی یکی سکوت است.

(در اینجا بحثی که ممکن است مطرح شود این است که آیا این سکوت جزء نماز است؟ و این هم دارای آثار است مثلاً اگر کسی در سکوتش ریا کند یا در آن لحظه لباسش نجس شود آیا این به نمازش لطمه می زند؟ در اینجا مرحوم بروجردی خواستند بیان کنند با این بیان همه این موارد جزء نماز می شود چون آن تخشع از اول تا آخر نماز است.)

لذا ایشان در اینجا جامع ذاتی را ردّ می کنند و جامع انتزاعی و عرضی ایجاد می کنند و می فرمایند: قال: تشترک فی کونها نحو توجه خاص؛ نماز یک روح و صورتی دارد. و تخشع مخصوص من العبد لساحة مولا، یوجد هذا التوجه الخاص بایجاد اول جزء منها و یبقی إلى ان تتم؛ فیکون هذا التوجه بمنزلة الصورة لتلك الاجزاء المتباینه بحسب الذات (به اینکه هر یک از این اجزاء از یک مقوله باشد) و تختلف کمالاً و نقصاً باختلاف المراتب؛ چنانچه کمالاً و نقصاً به اختلاف مراتب نماز مختلف است، مثلاً یک نماز یک جزء دارد و یک نماز دیگر یازده جزء دارد، همه این موارد را شامل می شود.

(و الحاصل) ان الصلوة لیست عبارة عن نفس الاقوال و الافعال المتباینه المتدرجه بحسب الوجود حتی لا یكون لها حقیقه باقیه إلى آخر الصلوة محفوظه فی جمیع المراتب؛ یعنی بر خلاف کلام مرحوم شیخ اعظم که قائل بودند نماز خود اقوال و افعال است، ایشان می فرمایند چنین نیست. و یترتب علی ذلك عدم کون المصلی فی حال السکونات و السکونات المتخلله مشتغلاً بالصلوة؛ در اینجا بعضی ها بیان کردند چون نماز اجزاء وجودی است پس این خلل و فرجی که در بین نماز است جزء نماز نیست، اتفاقاً این مطلب در فقه مطرح می شود و لذا اثر فقهی هم دارد. اما ایشان بیان می کنند نماز از اول که شروع می شود حالا نماز امیرالمؤمنین (ع) باشد تا نماز شخص غریق: بل هی عبارة عن حالة توجه خاص؛ این توجه باقی می ماند.

و یکون هذا المعنی المخصوص کالطبیعة المشککه؛ این معنای خاص یعنی همان توجه، مانند طبیعت مشکک دارای مراتب است، تاره مرتبه عالی دارد، تاره مرتبه دانی دارد، در نماز شخص غرقاء یک نوع توجه است، در نماز امیرالمؤمنین (ع) توجه بیشتری است. لا أقول إن هذا الامر الباقي یوجد بوجود علیحده وراء وجودات الاجزاء حتی یکون الاجزاء محصلات له؛ در اینجا «لا اقول» برای این است که ایشان بیان کردند نماز آن تخشع و تزلزل است و خود اجزاء و شرائط نیست.

حال در مقابل کلام ایشان گفته می شود شما می خواهید بگویید این تخضع و تخشع یک وجود دارد و اجزاء هم یک وجود دیگر دارد، مثلاً حالت رکوع چنین است که یک وجود رکوع دارد و یک وجود دیگر هم آن تخشع و تزللی است که با رکوع همراه

است. ایشان می گویند ما نمی گوئیم دوتا وجود است بلکه به یک وجود موجود است، پس حج و روزه هم که تخضع است یکی می شود، لذا ایشان می گویند تخضعی که در نماز است اتحاد وجودی با اجزاء نماز دارد، تخضعی که در حج است اتحاد وجودی با حج دارد، تخضعی که در روزه است اتحاد وجودی با روزه دارد، و وقتی چنین شد که هر کدام اتحاد وجودی دارد و اجزایشان فرق می کند پس وجود تخضع و تخشعش فرق می کند، لذا گفته نشود که همه تخضع می شود پس همه یکی می شوند، مثلاً صلاة و صوم یکی شوند. لذا این تخضع و تخشع جدا نیست بلکه عین وجود اجزاء است.

ایشان با این بیان یک مطلب دیگری را هم مطرح می کنند به این نحو که اگر بگوئیم تخضع و تخشع غیر از این اجزاء است، یعنی این اجزاء و شرائط محصل نماز می شوند لذا هر کجا در نماز شک کنیم این شک در محصل می شود و اعلام در شک در محصل قائل به احتیاط هستند و حال اینکه مرحوم بروجردی در اینجا نمی خواهند شک در محصل بگویند تا این اشکال لازم بیاید که در شک در نماز باید احتیاط کرد، بلکه ایشان قائل اند که این ها به یک وجود موجود هستند و نه دو وجود؛ کما اینکه مرحوم آخوند در اینجا شک در محصل ایجاد نکردند و وقتی می فرمودند نماز ناهی از فحشاء و منکر است فرمودند آن نماز خارجی محصل آن نیست بلکه یک نوع وحدت وجود دارند.

لا أقول إن هذا الامر الباقي يوجد بوجود علیحدة وراء وجودات الاجزاء حتى يكون الاجزاء محصلات له؛ به عبارت دیگر نمی گوئیم این امر باقی (تخضع و تخشع) در خارج به وجود جداگانه غیر از وجودات اجزاء مانند رکوع و سجده موجود می شود، که اگر چنین باشد تا رابطه این اجزاء با آن توجه که نماز است محصل شود و در نتیجه عند الشک احتیاط لازم شود. بل هو بمنزلة الصورة لهذه الاجزاء؛ این توجه و تخشع صورت این اجزاء است. فهو موجود بعین وجودات الاجزاء؛ و رابطه محصل و محصل نیست تا احتیاط لازم شود. فیکون الموضوع له للفظ الصلوة هذه العبادة الخاصة و المعنى المخصوص، و یکون هذا المعنى محفوظاً فی جميع المراتب.

بعد ایشان به جامع حقیقی کلی طبیعی تشبیه بیان می کنند: فیکون وزان هذا الامر الاعتباری وزان الموجودات الخارجیه كالانسان و نحوه؛ به اینکه ما که در اینجا حاضر هستیم دارای جامع هستیم و با همه اختلاف شکل و مراتب دارای یک کلی طبیعی هستیم و در نماز هم یک چنین چیزی وجود دارد، منتهی در اینجا افراد کلی است ولی در نماز اجزاء کلّ است.

**الحمد لله رب العالمین**